

من از جماعت مطرب‌ها آمده‌ام!

گزارشی از جلسه نقد و بررسی سریال «یوسف پیامبر»

یکشنبه ۱۳۸۸/۲/۲۰ و تنها دو سه هفته پس از پخش آخرین قسمت سریال «یوسف پیامبر»، فرج‌الله سلحشور، نویسنده و کارگردان این اثر، مهمان دانش‌پژوهان مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی در شهر قم بود. او در مصاحبه‌های قبلی خود با خبرگزاری‌ها و رسانه‌های گوناگون اعلام کرده بود چون عقیده دارد ابعاد تکنیکی و هنری اثرش اموری سلیقه‌ای‌اند، فقط و فقط دربارهٔ وجوه تاریخی، دینی و تربیتی سریال و آن هم تنها با کارشناسان مذهبی و اهل علم صحبت خواهد کرد و احیاناً حرف‌های آنها را وارد می‌داند. اما در این جلسه نیز تاب نقدهای مطروحه را نیاورد و به جای پاسخ‌گویی به سؤالات و انتقاداتی که طرح شد ترجیح داد از موضعی طلب‌کارانه تقصیرات و نواقص سریالش را متوجه وارد

نشدن حوزویان و اهل فضل به حیطة هنر بداند. در ابتدای جلسه، حجت‌الاسلام دولت‌خواه معاون فرهنگی تربیتی مؤسسه با اشاره به این‌که نشر معارف قرآن به هر زبانی لازم است و بلیغ‌ترین زبانی که امروزه با مردم ارتباط برقرار می‌کند، شمشیر دو لبه و خطرناک هنر است، جسارت فیلمساز متعهد و متدینی چون سلحشور در پرداخت و پیش بردن احسن‌القصص را ستود و اظهار داشت که خیلی شجاعت می‌خواهد شخصی با دست‌گرفتن پروژه عظیمی مثل «یوسف پیامبر» انتقادات دوست و دشمن و خودی و غیرخودی را به جان بخرد. در ادامه جلسه حجت‌الاسلام انواری با بیانی لطیف و دقیق نظراتش را پیرامون نقاط مثبت و منفی سریال اعلام کرد.

نکاتی که به نظر ایشان جای سؤال و نقد داشت عبارت بودند از: استفاده از متون تاریخی - و نه روایات صحیح - در تفسیر قرآن، مراعات نشدن شأن پیامبران الهی در رفتارها و روابط یوسف و یعقوب، پررنگ بودن بیش از اندازهٔ حضور زنان و به خصوص کاراکتر زلیخا در سریال، اختلاط زنان و مردان و استفاده از برخی جذابیت‌های ظاهری برخی بازیگران به گونه‌ای که مطمئناً به مذاق شریعت خوش نمی‌آید، افراط در نمایش بی‌تابی و بی‌صبری یعقوب که به هیچ‌وجه با صفات جمالی و جلالیه پیامبران قابل جمع نیست و بالأخره ممکن بودن خلاصه‌تر کردن برخی صحنه‌ها و فصل‌های کش‌دار فیلم.

نکات مثبت و برجستهٔ اثر به نظر این عضو هیأت علمی مؤسسه نیز اینها بودند:

نیت خیر و تعهد فیلم‌ساز، پربیننده بودن سریال حتی خارج از مرزهای ایران و مثلاً تأثیرات غیرقابل انتظار آن در تاجیکستان و کشورهای حوزهٔ خلیج فارس، ارائهٔ چهره‌ای سالم از قصهٔ یوسف به اهل سنت که تفاسیرشان انباشته از اسرائیلیات است و در نهایت انتقال مفاهیم قرآنی با ابزار گویا و وسیع هنر.

پربیننده بودن سریال چه در داخل و چه در خارج از مرزهای ایران. ادامهٔ صحبت‌های آقای مه‌کام به برشمردن نکات منفی سریال سپری شد. ترسیم نشدن دقیق ابعاد پیغمبری یوسف و یعقوب به‌خصوص یعقوب که در مواقعی قدرت مدیریت هیجاناتش را نداشت و به سایرین پرخاش می‌کرد، خالی بودن سریال از هرگونه رفتار آیینی و عبادی یوسف و دیده نشدن مناسکی دال بر مرام دینی‌اش، افراط در نمایش روابط یوسف و زلیخا به خصوص که در لحظاتی هم‌چون عبادت‌های ۴۰ روزهٔ زلیخا به نظر می‌آید مقامش - نعوذ بالله - بالاتر از یوسف است، تأکید بیش از اندازه بر جنبه‌های مادی منجی بودن یوسف برای قبطیان (هم‌چون انبارداری و تأسیس سیلوه‌ها و عدالت در سلطنت) و فراموش شدن پرداخت جنبه‌های نبوت یوسف در تعامل با مردم و در نهایت افراط در سیاه‌نمایی کاهنان معبد آمون به گونه‌ای که همهٔ ردایل اخلاقی به آنان منتسب است، نکات منفی سریال از دیدگاه آقای مه‌کام بودند.

در پایان فرج‌الله سلحشور بدون پاسخ دادن موردی و جزئی به سؤالات و نقدهایی که از طرف کارشناسان و حاضرین جلسه طرح شد، با صحبت‌هایی کلی و البته بنیانی از خود دفاع کرد. او با بیان این‌که هنر برای تطهیر خود گریزی از سیراب شدن با مذهب ندارد و از آن طرف بهترین و امروزی‌ترین راه نشر معارف دینی - به علت محدودیت گسترهٔ مخاطبان کتاب و منبر و روضه - استفاده از زبان هنر است، اظهار کرد چون سینمای امروز جمهوری اسلامی هیچ تعهد و تعلقی به جمهوری اسلامی ندارد، از این‌که علما و حوزویان در برابر - به تعبیر خود - موج سهمگین مفاسد سینما و تلویزیون سکوت می‌کنند و به «یوسف پیامبر» که می‌رسند با این حجم از انتقادات ایرادهایش را می‌شمارند، تعجب می‌کند.

سلحشور گفت: «من نه آیت‌الله هستم و نه محقق اسلام‌شناس و نه اصلاً دربارهٔ اهلیت ورود به حیطة قرآن ادعایی دارم» و به شوخی ادامه داد: «بابا! من از جماعت مطرب‌ها آمده‌ام! چه انتظاری از من دارید؟»



قهوه تلخ

نامه‌ای به آقای سلحشور



با سلام

برای همه آثار مبارکی که به ساحل سامان رسانده‌اید و برای ارج‌گذاری دغدغه‌مند شما به همه قداست‌ها و بالاخره برای اخلاص و احساس وظیفه‌ای که در وجودتان موج می‌زند، از شما سپاسگزارم.

نگارنده به عنوان یک طلبه کوچک در باب سخنان حضرت‌عالی در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی چند نکته را یادآور می‌شوم:

۱. آیا گمان نمی‌کنید سیل مخاطبان مشتاق سریال حضرت یوسف شما را به یک باور نادرست رهنمون کرده است؟ آیا نمی‌پذیرید که اگر این سریال از ضعف‌هایی که خود بدان اعتراف کرده‌اید، رنج نمی‌برد، کار شما در جذب مخاطبان عام و خاص، قله‌های توفیق بلندتری را فتح می‌کرد و آمار بینندگان آثارتان رقمی بسیار بیشتر بود؟

اصلاً سهم شما در موفقیت‌های این سریال چه قدر است؟ تاکنون فکر کرده‌اید که اگر با همین بودجه و امکانات، فرد دیگری از همان اصحاب هنر کذایی این سریال را می‌ساخت، چه قدر مخاطب داشت و چه قدر ضعف؟ اطمینان می‌دهید که کمتر از شما و بیشتر از این؟ جاذبه‌های بسیار خود داستان حضرت یوسف، هزینه نسبتاً بالای ساخت این مجموعه، زمان پخش مناسب و ده‌ها عامل دیگری که شما در آن دخالت نداشته‌اید را که انکار نمی‌کنید؟

۲. شیوه دفاع هنرمندانه شما که شیوایی و رسایی صدایتان آن را همراهی می‌کرد و بدین گونه در گام اول بر دل می‌نشست، خالی از منطقی استوار و استدلالی محکم بود. چرا به جای دفاع از ضعف‌ها، مخاطب صمیمی خود را به شلاق کم‌کاری بسته‌اید؟ این که بفرمایید از محفل مطربان آمده‌اید و بیش از این از شما انتظاری نیست، هیچ وقت دفاع درستی نخواهد بود.

۳. چرا شما هم از تئوری توطئه آن هم در میان طلبه‌های مظلوم حوزه سخن می‌گویید و انتظار دارید درمندان حوزه دین از شما ستایش کنند. اهالی هنر یا به تعبیر شما همان مطربان به کارتان خرده بسیار گرفته‌اند، از این سو تاریخ‌نگاران، مفسران و عالمان حوزه و دیگران نیز؛ چرا این همه را از یک پنجره و با یک نگاه می‌نگرید؟ چرا نمی‌پذیرید که اگر کاری شایسته‌تر و قوی‌تر از این ساخته بودید، این جمع اکنون سخن به تمجید شما گشوده بودند. من برخلاف مجری برنامه معتقدم سیل انتقادات، ناشی از ضعف‌های کار شماست.

۴. با صراحت گفتید و با صدایی رسا که چرا حوزه از شما انتقاد می‌کند، در حالی که از دیگران غفلت کرده است؟ با صداقت به شما می‌گویم و البته به آرامی که: جناب سلحشور، شما به دلیل حسن نیت و وجهه مذهبی‌تان، از اعتراضات سهمگین بسیاری مصون ماندید. از شما می‌پرسم با چهره ناقص و مخدوشی که شما از دو پیامبر بزرگ الهی تصویر کردید، یا حضور پرلغاب و پررنگی که به زنان دربار و زلیخا دادید و اتفاقی که در بازنمایی احسن القصص قرآن افتاده است، اگر هر کارگردان دیگری چنین کرده بود، گمان نمی‌کنید حتی شاید کار به اعتراضات گسترده‌تری می‌انجامید؟

۵. جناب سلحشور، اصحاب حوزه، دست یاری هیچ طالب کمکی را رد نمی‌کنند، ولی شما چه در آغاز کار و چه در ادامه، چه قدر دست استمداد به سوی حوزه گشودید که اکنون طلبکارانه آنان را استیضاح می‌کنید؟

می‌دانم در طول ساخت این مجموعه و بعد از آن تلخی‌های بسیار نوشیده‌اید و روا نبود این دوست نیز کامتان را به تلخی دیگری بیازارد، اما شاید خواندن این حرف‌ها که از سر دلسوزی است، حکایت قهوه تلخی باشد که پایانش آدم را سر وجد می‌آورد. این همه نه از آن رو بود که تلاش و نیت خالصانه شما زیر سوال برده شود، بلکه دلنوشته‌ای بود برای شما کارگردان متعهد و انقلابی کشورمان تا در آینده شاهد دقت نظر بیشتر و در نتیجه درخشش بیشتر آثارتان باشیم

توفیقات روز افزون شما را از خدای منان خواستارم.



او با انتقاد از وارد نشدن علما به حوزه تولید آثار هنری و اعلام این که پس از ساخته شدن «یوسف پیامبر» حجت بر همه تمام شده، پیشنهاد تأسیس حوزه علمیه‌ای با گرایش سناریونویسی داد و اظهار کرد اگر یعقوب فیلمش این همه اشکال دارد، اگر سریالش ایرادهای تاریخی دارد و اگر این همه خلأ و نقص معرفتی در آن احساس می‌شود به خاطر این است که در مرحله نگارش فیلم‌نامه از فقر مفرد فیلم‌نامه‌نویس اسلام‌شناس رنج برده است. جان کلام این فیلم‌ساز این بود که علما باید به جای ایرادگیری صرف از سریال «یوسف پیامبر» از دلایل پربیننده شدن آن رمزگشایی کنند و با ورود به میدان خلق سناریوهایی که از واقعیت سرچشمه می‌گیرند، این گونه ایرادات احتمالی را رفع کنند. سلحشور حتی چند بار به تلویح اشاره کرد که نباید جهت‌گیری انتقادات از آثاری که با نیت خیر ساخته می‌شوند به گونه‌ای باشد که هنرمند خالق آنها دیگر جرأت نکند به چنین حیطه‌هایی وارد شود و برود و پشت سرش را هم نگاه نکند. بلکه باید با تشویق‌شان به آنها کمک کرد.

البته در پایان جلسه حجت‌الاسلام انواری اعلام کرد که علما - و برای مثال خودش - هیچ وقت در مقابل انحرافات و مفسداتی که از سینما یا تلویزیون دیده‌اند سکوت نکرده‌اند.